

بررسی علل گرایش دانشجویان به تقلب در امتحانات دانشجویان علوم پزشکی همدان در سال ۳۷۵

نویسندگان: ولی اله مرادی^۱، مسعود سعیدی جم^۲

خلاصه

از آنجا که پدیده تقلب در امتحانات یکی از معضلات نظام آموزشی کلاسیک میباشد، لزوم تحقیقی همه جانبه در خصوص ریشه یابی این پدیده امری بدیهی به نظر میرسد زیرا فراگیر شدن آن باعث مخدوش شدن نظام ارزشیابی و امری یادگیری میگردد. هدف اصلی در این پژوهش پی بردن به علت‌های تقلب در میان دانشجویان می باشد جامعه مورد مطالعه ۲۷۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان و ابزار پژوهش پرسشنامه بود. نتایج حاصله در این پژوهش نشان داد که ۶۶/۴٪ از دانشجویان در طول تحصیلات خود به نوعی مرتکب تقلب شده اند. ۲۵٪ از این افراد برای اولین بار در دوره ابتدایی و ۱۰٪ آنها در دوره دانشگاهی تقلب خود را شروع نموده اند. از مجموع کل متقلبین تنها ۱۰٪ مورد شناسایی مربیان و مسئولین آموزش قرار گرفته اند. در این پژوهش ارتباط معنی داری بین جنس و ارتکاب به تقلب مشاهده نمی شود. از علل عمده گرایش به تقلب در ۷۳/۸٪ عدم انگیزه برای یادگیری، ۶۱/۶٪ راحت طلبی یادگیرنده، ۸۸/۵٪ فشرده بودن زمان امتحانات و ۷۷/۲٪ سخت گیری بیش از حد مدرسین مشخص شده است.

کلید واژه: تقلب در امتحانات، دانشجویان علوم پزشکی همدان، نظام ارزشیابی، علل گرایش

مقدمه:

ریاضی و علوم مرتکب تقلب شده اند ولی در عین حال نسبت به امر تقلب اکثراً بدبین بوده اند (۱). با پذیرفتن این امر که تقلب یکی از معضلات نظام های یادگیری است لزوم بررسی های مکرر برای ریشه یابی و حل مشکل امری اجتناب ناپذیر می باشد. لذا محقق بر آن شد که در زمینه علل و انگیزه ارتکاب به تقلب به عنوان اولین قدم در توصیف عوامل مرتبط با دانشجو و از دید دانشجو مطالعه ای بر روی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان انجام دهد که در این راستا نتایج حاصل گردید. امید است در گام های بعد بتوانیم این بررسی را از دیدگاه های مختلف

راستا کمتر صورت گرفته است بطوری که در کتابهای تعلیم و تربیت به ندرت به آن اشاره شده و در بین کارهای پژوهشی نیز به آن توجه چندانی نشده است بطوری که در بین مقالات منتشر شده در سالهای ۱۹۹۰ الی ۱۹۹۶ تنها مقاله موجود تحت عنوان Schooling Without learning (مدرسه رفتن بدون یادگیری) بود که موضوع پژوهش بررسی تقلب در امتحانات در بین دانش آموزان دبیرستانهای آمریکاست و بر روی ۲۰۰۰ دانش آموز به مدت ۲۰ سال صورت گرفته و نتیجه بدست آمده آن است که علت اصلی تقلب را ترس از مردود شدن دانسته اند و بیشتر در درس

بر اساس مشاهدات مدرسین و مراقبین جلسات امتحانی و ادعای دانشجویان پدیده ناهنجار تقلب در بسیاری از موارد امری فراگیر می باشد. از آنجا که این پدیده مذموم در نظام آموزشی می تواند ارزشیابی را که معیار یادگیری است مخدوش نماید و به تدریج انگیزه یادگیری و کسب خلاقیتها جای خود را به تنبلی و تزییع وقت دهد. لازم دانستیم در این زمینه تحقیقی همه جانبه را به منظور پی بردن به علل واقعی آن داشته باشیم. با این وجود که تقلب در امتحانات همیشه یکی از معضلات نظام آموزشی کلاسیک بوده جای تعجب است که کار پژوهشی بنیادی در این

خصوصیات مدرس و گرایش به تقلب در یادگیرنده در نمودار شماره ۴ آمده است.

بحث:

طبق نمودار شماره یک ۶۶/۴٪ از جامعه مورد مطالعه به نوعی مرتکب تقلب شده اند. درصد بالای کسانی که به نوعی در دوره های تحصیلی خود مرتکب تقلب شده اند می تواند زنگ خطری برای برنامه ریزان و مسئولین آموزشی باشد.

بر اساس اطلاعات نمودار شماره دو ۲۴/۹٪ از مجموع متقلبین شروع تقلب را در دوره ابتدایی عنوان کرده اند و این مهم نیز جا دارد که متخصصین امر تعلیم و تربیت را به چاره اندیشی سوق دهد و این سوال را مطرح نماید که عوامل گرایش به تقلب حتی در سنین کودکی کدام است و راههای پیشگیری آن چیست و از طرفی ۱۱/۲٪ از ایشان اولین تقلب خود را در دانشگاه آغاز نموده اند که این مسئله نیز جای تأمل است. عدم عادت به یادگیری تدریجی در بسیاری از یادگیرندگان در طول سال تحصیلی و در نتیجه دل بستن به مطالعه دروس در اوقات امتحانی باعث میگردد در صورتیکه زمان امتحانات فشرده باشد میزان تقلب افزایش یابد (۸۸/۵٪).

بی شک نگرشها می توانند زیربنای اعمال

نتایج:

در این مطالعه ۵۹/۸٪ از پاسخ دهندگان را دانشجویان پسر و ۴۰/۲٪ را دانشجویان دختر تشکیل داده اند. توزیع فراوانی دانشجویانی که به نوعی در دوره های تحصیلی خود مرتکب تقلب شده اند در نمودار شماره ۱ آمده است. توزیع فراوانی شروع به تقلب نسبت به دوره های

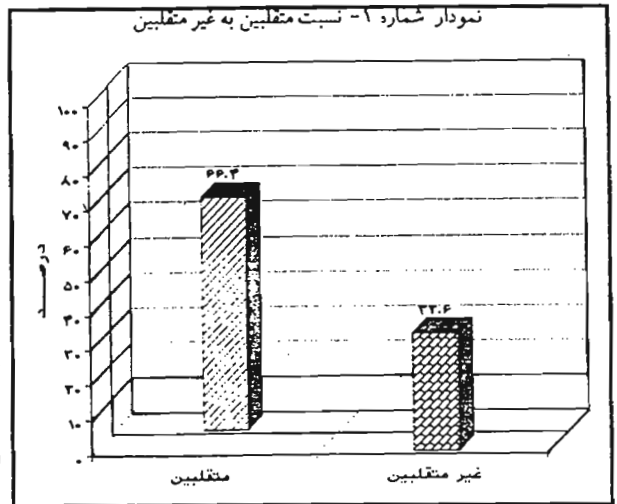
تحصیلی در جامعه مورد مطالعه در نمودار شماره ارائه شده است.

در این پژوهش علت های عمده ارتکاب به تقلب شامل موارد زیر است: ترس از مردود شدن ۷۲/۲٪، فشرده بودن زمان امتحانات ۸۸/۵٪، اعمال مقررات آموزشی مانند عواقب ناشی از مشروط شدن ۸۹/۶٪ و عدم انگیزه برای یادگیری ۷۳/۸٪.

در رابطه با نگرش دانشجویان به تقلب این نتایج حاصل شد: ۶۱/۸٪ از جامعه مورد مطالعه تقلب را نوعی ظلم به حقوق دیگران دانسته اند. ۶۶/۲٪ ایشان تقلب را راحت طلبی دانسته اند. ۵۰٪ ایشان تقلب را نوعی کمک به هم نوع تلقی نموده اند. ۴۲/۲٪ از جامعه مورد مطالعه تقلب را نوعی زرنگی دانسته اند.

رابطه نوع سئوالات امتحانی و فراوانی تقلب در نمودار شماره ۳ مشخص شده است. رابطه جنس و گرایش به تقلب در جدول شماره (۱) آمده است. رابطه

نمودار شماره ۱ - نسبت متقلبین به غیر متقلبین

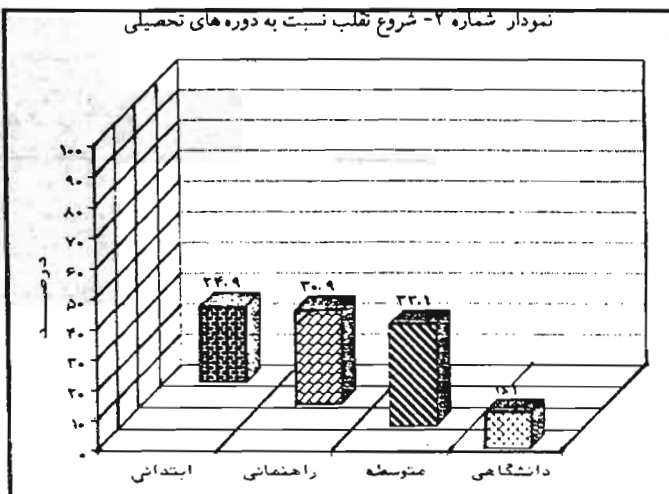


مربیان، برنامه ریزان و مسؤولین اجرایی نظام آموزشی پیگیری نماییم.

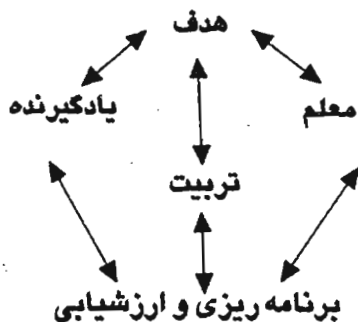
روش بررسی:

این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی، مقطعی می باشد که بر روی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۱۳۷۵ انجام گردیده است. حجم نمونه ها بر اساس فرمول $n = \frac{z^2 p \cdot q}{d^2}$ برابر با ۲۷۰ نفر برآورد گردید. نحوه انتخاب نمونه ها تعیین یک کلاس از هر رشته تحصیلی به عنوان جامعه مورد مطالعه و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه می باشد که روایی پرسشنامه به تأیید صاحب نظران رسیده بود و برای پایایی آن از آزمون مجدد استفاده گردید. برای جمع آوری اطلاعات در وسط ترم با مراجعه به کلاسهای انتخاب شده، و توضیحات لازم مبنی بر آنکه پاسخ به سئوالات صرفاً جنبه پژوهشی داشته و تمامی اطلاعات محرمانه خواهد ماند، اقدام به جمع آوری اطلاعات گردیده سپس اطلاعات را کد گذاری نموده و در نرم افزار PEZ تایپ و در نرم افزار آماری علوم اجتماعی (SPSS) با استفاده از آمار توصیفی و آزمونهای کیفی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نمودار شماره ۲ - شروع تقلب نسبت به دوره های تحصیلی



ارزشیابی، هدف، یادگیرنده و معلم است (۵)



یافته‌های صاحب نظران انعطاف پذیری در یک سازمان آموزشی می‌تواند نقش مؤثرتری بر یادگیری مطلوب داشته باشد و صمیمیت و ارتباط عاطفی با یادگیرنده نیز

رکن اصلی یادگیری می‌باشد (۳،۴) که در این صورت نیازی به تقلب پیش نمی‌آید و یادگیری واقعی امکان پذیر می‌گردد. در این مطالعه ارتباط معنی داری بین جنس و گرایش به تقلب ملاحظه نشد و جدول (۱) نیز این امر را نشان می‌دهد، هر چند که در این مطالعه عقیده بر آن بود که دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر مرتکب تقلب می‌گردند (۵۶٪ در مقابل ۳۸٪) و حتی نظر دانشجویان پسر نیز بر این بود که پسران

بیشتر از دختران مرتکب تقلب می‌گردند در صورتیکه در مطالعه اختلاف بسیار اندک می‌باشد (۶۸٪ در مقابل ۶۵/۷٪) در پایان

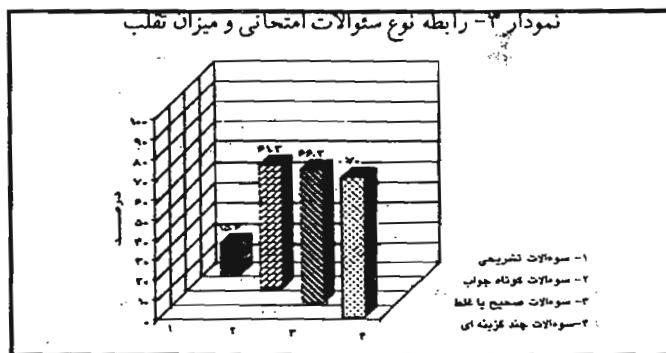
ضمن رسم طرح شماتیک زیر باید اذعان نمود که جریان تربیت و یادگیری امری پیوسته و مرتبط با عواملی چون برنامه ریزی،

بدون تردید وجود اشکال در یکی از عوامل فوق بر سایر عوامل نیز تاثیر خواهد گذشت و نتیجه آن که مشکل تقلب تنها به

جدول شماره ۱- نسبت جنس و میزان تقلب

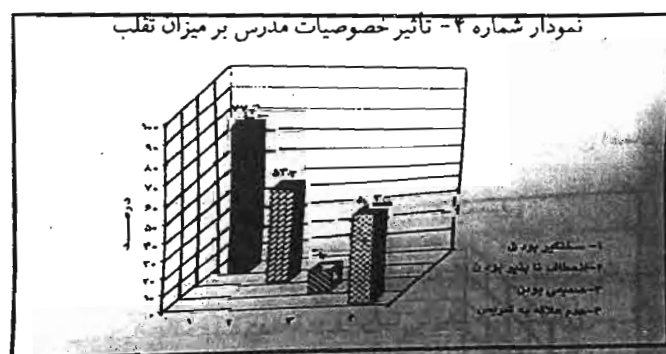
ردیف	عنوان	درصد متقلبین	درصد غیر متقلبین
۱	نسبت آقایانی که مرتکب تقلب شده اند نسبت به کسانی که تقلب نکرده اند	۶۸٪	۳۲٪
۲	نسبت خانمهایی که تقلب کرده اند به خانمهایی که تقلب نکرده اند	۶۵/۷٪	۳۴/۳٪

یادگیرنده مربوط نخواهد شد بلکه می‌تواند مرتبط با سایر عوامل یادگیری نیز باشد و این وظیفه ما دست اندرکاران نظام آموزشی است که چه بعنوان معلم و مربی و چه بعنوان برنامه ریزان و مدیران اجرایی راهکارهای علمی و عملی که مبتنی بر پژوهشهای متعدد است برای پیشگیری از ارتکاب به تقلب نه صرفاً بعنوان یک معضل نظام آموزشی بلکه بعنوان یک معضل اجتماعی که نهایتاً فارغ التحصیلان با کارآیی کمتر تحویل جامعه خواهد داد را طراحی و اجرا نماییم.



و رفتار انسانها باشند (۲) و این مهم نیز در گرایش افراد به تقلب صادق است بطوری که در این پژوهش مشخص گردید که آن گروه از افراد مورد مطالعه که تقلب را ظلم به حقوق دیگران دانسته اند نسبت به گروهی که این امر را ظلم ندانسته اند کمتر مرتکب تقلب شده اند، ۵۳٪ در مقابل ۶۶٪.

نمودار شماره ۳ نشان می‌دهد که سختگیری بیش از حد مدرسین می‌تواند یکی از عوامل افزایش دهنده تقلب باشد (۷۷/۴٪) و متقابلاً صمیمی بودن ایشان با یادگیرندگان به شدت میزان تقلب را کاهش می‌دهد (۱۲٪) و این امر نیز کاملاً با نظرات متخصصین امر هماهنگی دارد زیرا بر اساس



References:

1- Schab F; 'Schooling Without learning : thirty years of cheating in high school. Adolescence, 1991 , 26 (104): 839 - 47.

۲- بولف هرسی: مدیریت، رفتار سازمانی، ترجمه دکتر قاسم کبیری، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱.
۳- شماری نژاد، علی اکبر: روانشناسی رشد، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۶.

۴- شریسته‌اری، علی: جامعه و تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.
۵- شماری نژاد، علی اکبر: مبانی روان شناختی تربیت، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶.

Abstract

A Study of identifying the cheating trend in exams of medical students of Hamedan University of Medical Sciences.

Moradi V¹. Saidijam M².

Since the phenomenon of cheating in exams is one of the problems in the classical system of education, the need for determining the root cause for this problem seems obvious. Undermining its wide spread will lead to disturbances in the evaluation system and learning affairs. The main objective in this study was to identify the cheating causes among the students. The sample for this study included 270 students from Hamedan University of Medical Sciences and the instrument used was a questionnaire. The results of the study showed that 66.4% of the students committed some sort of cheating during their education, 25% of them committed such an act in their elementary education and 10% committed cheating in their university careers. From the total number of the cheaters, 10% were caught by the teachers and school authorities. No significant relation was found between gender and cheating. The main reason for cheating in exams were congestion of examination (88.5%), being excessively strict by the teachers (77.2), lack of motivation for learning (73.8%), and convenience of the learner (61.6%), respectively.

Keywords: Cheating in exams, evaluation system

1) Scientific Board Member, Assist. Prof. of Neurosurgery, Hamedan University of Medical sciences.

2) Hamedan University of Medical Sciences.